

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

تفسیر تورات

پاراشای هفته: پینخاس ۵۷۷۹

تاجی که همگان می توانند بر سر بگذارند

ربای لرد جاناتان ساکس

Pinchas 5779

The Crown All Can Wear

موسی به خدا گفت: "خداوندا، ای خدای روح های همه جسم ها، مردی را به رهبری این جماعت بگمار تا پیشاپیش آنها حرکت کند، کسی که آنها را بیرون ببرد و وارد سازد تا قوم خدا مانند گوسفندان بی چوپان نباشند." (اعداد ۱۷-۲۷:۱۵)

موسی در دیدرس فرشته مرگ بود. میریام در گذشته بود. همین طور اهرون [هارون]. خداوند به موسی گفته بود: "تو نیز مانند اهرون به نیاکانت خواهی پیوست" (اعداد ۱۳-۲۷:۱۲)، از این

رو موسی می دانست که مقدر نبود آن قدر زنده بماند تا از رود اردن گذشته، به سرزمین وارد شود. جانشین او چه کسی بود؟ آیا هیچ فکری در این مورد در ذهنش نبود؟

حکیمان تلمودی با دقتی عمیق، متوجه بخش پیش از این متن شدند. آن بخش به داستان دختران زلوفهاد می پردازد که با وجود رسیدن ارثیه به فرزندان ذکور و این که پدر آنها هیچ پسری نداشته، مدعی حق ارثیه بری خود از زمین شدند. موسی تقاضای آنها را با خداوند مطرح کرد و پاسخ گرفت که این حق به آنها داده شود.

میدراش با توجه به این پیش زمینه، افکار موسی را هنگام طرح تقاضای خود مبنی بر برگزیدن یک جانشین با خدا، تفسیر می کند:

دلیل موسی برای طرح این تقاضا درست پس از اعلام حکم ارثیه چه بود؟ چنین بود که وقتی دختران زلوفهاد از پدر ارثیه بردند، موسی چنین استدلال کرد: این بار حق من است که تقاضای خودم را مطرح کنم. اگر دختران ارثیه می برند، بی تردید درست است که پسران من جایگاه مرا به ارث ببرند.

خداوند متعال که متبارک باد نام او به موسی گفت: "آن کس که درخت انجیر را نگهداری کرده، میوه آنرا خواهد خورد" (نقل از امثال سلیمان ۲۷:۱۸). پسران تو بیکار نشستند و تورات را نیاموختند. یهوشوع با وفاداری به تو خدمت کرد و بسیار به تو احترام گذاشت. او بود که صبح زود برخاست و در عبادتگاه تو تا نیمه شب بیدار ماند. او بود که نیمکت ها را مرتب و فرش ها را پهن می کرد. چون او با تمام توان خود تو را خدمت کرده، شایسته رهبری اسرائیل است، زیرا او از پاداش محروم نخواهد شد.¹

¹ Numbers Rabbah 21:14.

این بود رویداد ناگفته در این پاراشا. نه تنها تقدیر موسی این بود که وارد سرزمین نشود، بلکه او همچنین مقدر بود که شاهد ردِ پسران خود در فرایندِ گزینشِ رهبری بود. این تراژدیِ دومِ زندگی شخصیِ موسی بود.

اما درست همین جا یکی از نیرومندترین اصول یهودیت را برای نخستین بار می یابیم. یهودیت در دوران توراتی سلسله های قدرت داشت. هم کهنات و هم در دوران بعدی، سلسله های پادشاهی، از پدر به پسر به ارث می رسیدند. اما با این حال، یک خطِ مساوات خواهانه جدی از همان ابتدا در یهودیت وجود دارد. جالب آنکه این خط یکی از نیرومندترین بیانیه های خود را از زبان قورح [قارون] می گوید: "همه قوم، جماعتِ مقدس هستند و خداوند در میان آنها است. پس چرا تو (موسی) خود را بالاتر از جماعت قرار می دهی؟ (اعداد ۳: ۶).

ولی تنها قورح نبود که این احساس را به بیان درآورد. آنرا در سخنان خود موسی نیز می شنویم: "چنان که همه مردم، نبی های خدا خواهند بود و خداوند، روح خود را بر آنان خواهد دمید" (اعداد ۲۰: ۱۱).

دوباره همین مضمون را از زبان حنا هنگام شکرگزاری برای تولد پسرش می شنویم:

خداوند فقر و ثروت را نازل می کند:

خاک نشینان و بالانشینان.

او فقیر را از خاکدان برمی افزارد و نیازمند را از خاکستر برمی کشد،

تا آنها را با شاهزادگان بشناند و وارثِ تاجِ افتخار سازد. (کتاب اول شموئل ۸-۷: ۲).

این مضمون در دستور خدای متعال مستتر است: "با تمامی جماعت اسرائیل صحبت کن و بگو: مقدس باشید، زیرا من، خداوند، خدای شما، مقدس هستم." (لاویان ۱۹:۲).

این فراخوان نه به کاهنان یا انبیاء که نخبگان مقدس بودند، بلکه خطاب به کل مردم است. در یهودیت، غریزه ای ژرف برای مساوات خواهی وجود دارد: مفهوم ملتی متشکل از افرادی که در پیشگاه خداوند، با کرامتی مساوی یکدیگر می ایستند.

اشتباه قورح کمتر در آنچه گفت و بیشتر در علت طرح آن بود. او یک عوامفریب بود که تلاش در کسب قدرت داشت. اما با گفتن آن حرف، به مخزنی از احساس مردمی و اصول دینی چنگ انداخت. رهبری یهودیان هرگز کار آسانی نبوده، زیرا تک تک آنها به رهبری فراخوانده شده اند. نکته ای که قورح فراموش کرد این بود که رهبر بودن، الزاما به معنای پیرو بودن نیز هست. وجود پیروان، پیش فرض رهبری است. این امر را یهوشوع می دانست و موجب برگزیده شدن او برای جانشینی موسی شد.

چنان که پیشتر دیدیم، سنت یهود در فرمول موسی بن مایمون جمع بندی شده است:

اسرائیل با سه تاج مزین شده است: تاج تورات، تاج کهنات و تاج پادشاهی. تاج کهنات به اهل بیت [هارون] و نسل او واگذار شده است. تاج پادشاهی به داوود و جانشینان او. اما تاج تورات برای همه مردم اسرائیل است. هر کس بخواهد، بیاید و آنرا بگیرد. فکر نکن که آن دو تاج دیگر مهمتر از تورات هستند... تاج تورات از آن دو تاج دیگر مهمتر است.²

² Maimonides, Mishneh Torah, Hilchot Talmud Torah 3:1.

این امر، پیامدهای اجتماعی و سیاسی بزرگی داشت. در طول بخش اعظم دوران توراتی هر سه تاج، کارکرد داشتند. اسرائیل افزون بر انبیاء، پادشاهانی داشت و کوهن های فعالی که معبد را اداره می کردند. اصل جانشینی بر اساس سلسله - رسیدن رهبری از پدر به پسر- هنوز کارکرد دو تاج را تعیین می کرد. اما با ویرانی معبد دوم، پادشاهی و کهنات فعال از میان رفتند. رهبری به هخامیم [حکیمان تلمودی] منتقل شد که خود را وارثان انبیاء می دیدند. این نکته در تک جمله مشهوری که خلاصه ای از تاریخ یهود و آغازگر رساله آووت (اخلاق پدران) است، بیان می شود: موسی تورات را در کوه سینا گرفت و به یهوشوع داد که او نیز به مشایخ قوم سپرد، آنان نیز به انبیاء واگذارش نمودند و انبیاء آنها به مردان سنهدرین بزرگ سپردند (میشنا/اووت ۱:۱).

ربی ها خود را بیشتر وارثان انبیاء می دانند تا کوهنیم. در اسرائیل دوران توراتی، کاهنان، حافظان و معلمان اول تورات بودند. چرا ربی ها خود را وارثان اهلون [هارون] و کوهنیم نمی دانستند؟ پاسخ می تواند چنین باشد: کهنات، سلسله ای [موروثی] بود. برعکس، رهبری به شیوه انبیاء هرگز قابل پیش بینی نبود. موسی گواه آن است. این واقعیت که فرزندان او در مقام رهبر مردم، جانشین او نشدند، احتمالاً موجب رنج بسیار او شد، اما دلگرمی ژرفی برای همگان بود. به این معنا که هر کس دوره می دید و سرسپردگی نشان می داد، می توانست امید به کسب رهبری به عنوان ربی و دریافت تاج تورات داشته باشد.

در این زمینه در منابع به یک ناسازه [پارادوکس] برمی خوریم. از یک سو، تورات خود را یک میراث توصیف می کند: "موسی تورات را همچون میراث [موراشا] جماعت یعقوب به ما فرمان داد" (تثنیه ۳۳:۴). از سوی دیگر، حکیمان تلمودی [ربی ها] اصرار داشتند که [تاج] تورات موروثی نیست: ربی یوسی گفت: "خود را آماده آموختن تورات کن، زیرا همچون یک ارثیه [یروشلا] به تو نمی رسد" (میشنا/اووت ۲:۱۲).

ساده ترین نتیجه گیری از این پادگویی [تناقض] این است که دو گونه ارث وجود دارد. زبان عبری توراتی دو واژه متفاوت دارد برای آنچه به ما ارث می رسد: *یروشا / موراشا و نخالا*. *نخالا* هم‌ریشه واژه *ناخال* به معنای "رودخانه" است. این واژه دال بر چیزی است که خود به خود از نسل های قبل می رسد، همان گونه که رودخانه در سرازیری جریان می یابد. *یروشا* از واژه *یاراش* می آید به معنای "صاحب شدن" که اشاره دارد به چیزی که بر آن حق مشروع دارید، اما برای کسب آن باید اقدام عملی کنید.

یک عنوان موروثی، مانند دوک یا ارل [درجه ای در میان اشراف زادگان انگلیسی]، از پدر به پسر به ارث می رسد. همین گونه است یک کسب خانوادگی. تفاوت آنها در این است که اولی به هیچ تلاشی از سوی وارث نیاز ندارد، اما در مورد دوم، یک کسب با ارزش، نیازمند سخت کوشی است. تورات مانند یک کسب است و نه یک عنوان موروثی. باید آنرا به دست آورد.

خود حکیمان تلمودی [ربی ها] آنرا به زیبایی بیان کرده اند: "موسی تورات را همچون یک میراث [موراشا] جماعت یعقوب به ما فرمان داد، اما نخوان میراث [morasha]، بلکه بخوان وعده شده [me'orasa]" (بر/خوت ۵۷ الف). با یک تغییر ساده در تلفظ، یعنی تبدیل حرف شین به سین، "میراث" تبدیل می شود به "وعده شده". ربی ها با این تغییر اشاره می کنند که آری، میان تورات و یهودیان یک ارتباط میراثی وجود دارد، ولی اگر تورات قرار است به ارث برسد، باید به آن عشق ورزید.

ربی ها کاملاً آگاه بودند از کاربردهای اجتماعی گفته ربی یوسی که "تورات به شما ارث نرسیده است." یعنی سواد و آموختن هرگز نباید در انحصار قشر بالا دربیاید:

و چرا در میان ربی ها مرسوم نیست فرزندانی به دنیا بیاورند که آنها هم حکیم تورات باشند؟ ربی یوسی گفت: برای آنکه نتوان گفت که تورات ارثیه آنان است. (نید/ریم ۸۱ الف)

حکیمان تلمودی همواره در برابر رفتارهای انحصارطلبانه نسبت به تورات مقاومت می کردند. مساوات را هرگز نمی توان بدون هشیاری پاس داشت. درواقع، گرایش های مخالف مساوات هم وجود داشت. ما آنرا در یکی از جدل های میان مکتب های هیلل و شمای مشاهده می-کنیم:

"شاگردان بسیاری تربیت کن" - مکتب شمای می گوید: فرد باید فقط به کسی تدریس کند که خردمند، فروتن، اصل و نسب دار و ثروتمند باشد.

ولی مکتب هیلل می گوید: به هر فردی باید تدریس شود. زیرا در میان اسرائیل خطاکارانی بودند که جذب یادگیری تورات شدند و از میان آنان صدیقان، راستواران و انسان های ارزشمندی بیرون آمدند. این را به چه می توان تشبیه کرد؟ به کدبانویی که مرغی را روی چندین تخم مرغ می نشاند - اگر تعداد تخم مرغ ها زیاد باشد، ممکن است موفق به جوجه گیری از چند تخم مرغ شود، اما اگر تعداد آنها کم باشد، ممکن است هیچ یک جوجه بیرون ندهند.³

نمی توان پیش بینی کرد چه کسی به افتخار دست می یابد. از این رو تورات باید به همگان تدریس شود. بخش بعدی، فضیلت تدریس به همگان را توصیف می کند:

³ Avot DeRabbi Natan, version 2, ch. 4.

روزی راو به مکانی رفت که در آنجا اعلام روزه کرده بود، اما هیچ بارانی نباریده بود. سرانجام، فردی به سوی محراب رفته، پیشاپیش راو به دعا مشغول شد و گفت: "او که باد را به وزش درمی آورد" - همان دم، باد وزیدن گرفت. سپس دعا کرد: آنکه باران را می باراند - و در جا باران، باریدن گرفت. راو از او پرسید: کار تو چیست؟ [یعنی چه فضیلتی در تو هست که خداوند به دعای تو پاسخ گفت؟] مرد پاسخ داد: من معلمِ کودکان هستم. به کودکان تهیدستان و به کودکان ثروتمندان، تورات درس می دهم. از آنانی که توان مالی ندارند، هیچ مزدی نمی گیرم. افزون بر این، من آبیگری پر از ماهی دارم و به هر کودکی که نخواهد درس بگیرد، ماهی می دهم تا بیاید و یادبگیرد. (تعنیت ۲۴ الف)

اشتباه است اگر تصور کنیم این برخوردها در همه مکان ها و زمان ها ادامه یافت. هیچ ملتی به کمال نمی رسد. تمایل به یادگیری در میان افراد یک گروه به یک میزان نیست. همیشه این گرایش هست که باهوش ترین و تحصیلکرده ترین افراد، خود را با استعدادتر از دیگران ببینند و ثروتمندان در قیاس با تهیدستان بتوانند تحصیلات بهتری برای فرزندان خود بخرند. اما یهودیان به درجه ای بالا و چشمگیر، هشیار بودند تا هیچ کس از تحصیل محروم نماند. مخارج مدارس و حقوق معلمان توسط صندوق های عام المنفعه تامین می شدند.

قرن ها و حتی هزاره ها یهودیان، نخستین مردمانی بودند که تحصیل را دمکراتیزه کردند. تاج تورات به راستی در دسترس همگان بود.

آنچه برای موسی یک تراژدی بود [جانشین نشدنِ فرزندانش]، برای اسرائیل، حکم یک دلگرمی را داشت. تورات، میراث آنان است. این که جانشین موسی نه فرزندش، بلکه یهوشوع، شاگردش، بود یعنی: یک شکل از رهبری که از نظر تاریخی و روحانی مهمترین در میان سه تاج بود، می توانست توسط هر کس دنبال شود. کرامت انسانی، امتیازی نیست که در

ابتدای تولد به افراد معینی داده شود. افتخار، منحصر به کسانی نیست که والدینِ قدرتمند دارند. در دنیایی که توسط تورات تعریف و خلق شده است، هر فردی می تواند بالقوه یک رهبر باشد. ما همه می توانیم حقِ بر سر گذاشتنِ تاج را کسب کنیم.

شبات شالوم



برای دیگر آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط
شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian